

حقایق سیاسی و عقیدتی؛ رویدادهای خونین سویداء بر آنها گواهی می دهند

در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۵، به طوری شوکه کننده و ناگهانی، وزارت دفاع سوریه آغاز خروج نیروهای ارتش از شهر سویداء را اعلام کرد؛ این تصمیم، پس از توافق میان دولت و مشایخ عقل دروز و با اعلام رئیس جمهور انتقالی سوریه، احمد الشرع، مبنی بر واگذاری مسئولیت حفظ امنیت سویداء به گروه های محلی و مشایخ عقل دروز، اتخاذ شد؛ آن هم پس از چند روز درگیری های خونین و شدید که صدها تن از برادران ما را به شهادت رساند. این تحولات در پی دعوت آمریکا به خروج نیروهای دولتی از استان و پس از سلسله حملات هوایی شدید رژیم صهیونیستی بر دمشق که ستاد کل، وزارت دفاع و اطراف کاخ ریاست جمهوری را هدف قرار داد، رخ داد؛ همچنین پیش تر مناطقی از اطراف دمشق، درعا و سویداء مورد بمباران قرار گرفته و شمار زیادی شهید و زخمی بر جای مانده بود. پس از این عقب نشینی، اقدامات انتقام جویانه و خیانت بار شرم آوری رخ داد که خون و ناموس اهل بدوی سویداء را نشانه رفت؛ ربودن، قتل، شکنجه و کشیدن افراد با خودرو در خیابان ها، توسط شبه نظامیان دروزی که با تکیه بر رژیم صهیونیستی و تحریک گسترده «حکمت الهجری» که اکنون به نماد جنایت و تحریک برای جدایی طلبی و مطالبه خودمختاری و درخواست حمایت بین المللی تبدیل شده، مرتکب شدند.

در این شرایط دردناک، ناله های استغاثه برای طلب غیرت و مردانگی مسلمانان بلند شد و ناگاه شاهد صحنه ای باشکوه بودیم: کاروان های عظیم فرزندان امت و عشایر آن، آسمان را پوشاندند و به این فریاد پاسخ دادند؛ از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور، حتی فراتر از مرزهای سایکس پیکو که استعمارگران ترسیم کرده اند، غیرت مردم عراق، اردن، عربستان و دیگر کشورها نیز حاضر شد و شبه نظامیانی که به یهود متکی بودند، ضربات دردناکی خوردند و زیر ضربات جوانان امت و عشایر درهم شکستند. همان گونه که انتظار می رفت، صدای آمریکا، غرب و یهود مبنی بر لزوم دخالت دولت سوریه برای پایان دادن به درگیری ها بلند شد. در پی آن، توافقی خفت بار و جدید در پاسخ به فشارهای آمریکا و مطالبات یهود اعلام گردید؛ وزارت کشور سوریه توقف درگیری ها و تخلیه منطقه از رزمندگان عشایر پس از استقرار نیروهای امنیتی برای اجرای آتش بس را اعلام کرد، درحالی که الهجری با وقاحت، شروط ذلت باری را برای دولت وضع نمود: حضور نیروهای امنیت عمومی فقط در مرزهای اداری استان، تبدیل شدن شان به نگهبان مرزی صرف، نظارت بر دریافت کمک ها و جلوگیری از ورود وزرای دولت (یعنی عدم پذیرش حاکمیت دولت یا نمایندگان آن!) و همچنین مطالبه گشودن گذرگاه با اردن و درخواست حمایت بین المللی.

در نتیجه، موجی از ناراضی بیتی بلکه خشم گسترده مردمی و عشایری، سراسر منطقه را فراگرفت؛ چراکه دولت کنونی بر توقف نبردها در سویداء، آن هم در اجرای دستورات آمریکا و اجابت از خواسته های یهود، اصرار ورزید؛ پیش از آنکه آزادگان بتوانند راه شان را برای ریشه کن کردن مزدوران یهود از میان شبه نظامیانی که کودکان مان را کشتند و به حرمت خانواده هایمان تجاوز کردند و حتی مجاهدان ما را درحالی که هنوز زنده بودند، تکه تکه ساختند، به پایان برسانند! نه تنها این، بلکه فشار زیادی برای برقراری آتش بس، ایجاد ایست و بازرسی به منظور جلوگیری از ورود مهمات به دست انقلابیون و ممانعت از رسیدن کمک های مردمی به آنان اعمال شد؛ علاوه بر آن، سلاح های مبارزان را مصادره کرده و عرصه را بر آنان تنگ نمودند. باین حال، شمار زیادی از مبارزان همچنان در شهر باقی مانده اند و خروج را نمی پذیرند و بر ادامه نبرد تا پایان پرونده شبه نظامیان مزدور یهود تأکید دارند؛ درحالی که بسیاری دیگر به اجبار نیروهای امنیتی، تحت فشار و با محرومیت از مهمات و تدارکات، از سویداء خارج شدند.

در برابر تمام این وقایع و حقایق، بر چند نکته اساسی باید تأکید شود:

1- مردم شام و در رأس آنان عشایر، ثابت کردند که حقیقتاً اهل صدق، مردانگی و غیرت اند؛ آنان بهترین مردمان، بزرگ ترین حامیان و پشتوانه ای بی نظیر برای هرکسی هستند که ارزش شان را درک کند و جایگاه شان را پاس بدارد.

2- خیزش عشایر، یک حقیقت ریشه دار عقیدتی و سیاسی را آشکار ساخت: اینکه ما ملتی واحد و یگانه ایم، جدای از سایر ملل. این حرکت، قدرت امت را نشان داد و پوچی و سستی نظام های موجود را افشا کرد؛ همچنین نشان داد که اسلام در اعماق جان مردم ریشه دارد و وحدتشان بر اساس اسلام، قلب تپنده و آرمان آینده شان است؛ به ویژه که مرزهای موهوم ترسیم شده توسط استعمارگران کافر را در هم شکستند. این قیام مبارک، روح انقلاب و جهاد را در دل جوانان امت زنده کرد و نفرت از یهود و امید به تحقق وعده موعود و حدیث غرقه را برافروخت.

3- قدرت حقیقی هر دولت و تکیه‌گاه اصلی هر رهبری وفادار و مخلص، پس از توکل بر الله سبحانه و تعالی، همان ملت و پشتیبانی مردمی است؛ ملتی که با ظرفیت‌های انسانی و مادی، آگاهی سیاسی و روحیه انقلابی و جهادی خود شناخته می‌شود. نقش توده‌های مردم در حمایت از انقلاب طی چهارده سال گذشته بی‌بدیل بوده است؛ بنابراین، کسی که این جایگاه را پاس بدارد و برای امت احترام قائل باشد، خردمند و صادق است و کسی که برای نزدیک شدن به دشمنان، قدر ملت را نشناسد، جز جهل و سقوط در پرتگاه برایش حاصل نخواهد شد.

4- گروه‌های خیانت‌پیشه در سويدها و سرکرده متکبران که به اتکای پشتیبانی یهود، دم از اقتدار می‌زنند، نه عهده‌ی دارند و نه پایبند به هیچ میثاقی هستند؛ جنایتی نمانده که علیه مردم ما مرتکب نشده باشند و فسادى نیست که در آن غرق نشده باشند، همه این‌ها زیر نظر جهانی انجام می‌گیرد که یا همدست است یا بی‌تفاوت. بدتر آن که امروز این جنایتکاران با تثبیت مدیریت‌شان بر کانون‌های شرارت خود، به‌جای مجازات، پاداش می‌گیرند و به بهانه‌ها و دستاویزهای مختلف، رضایت‌شان جلب می‌شود. این شیوه مسامحه‌آمیز در مواجهه با مسئله دروزیان، نشانگر نوعی تحقیر خطرناک از سوی مدیریت جدید است؛ مدیریتی که نمایندگان‌ش را بیرون می‌اندازند، خواستار حمایت بین‌المللی می‌شوند و بی‌پرده با رژیم یهود ارتباط برقرار می‌کنند و این خود خیانتی آشکار است که جای هیچ تردیدی ندارد.

5- دشمنان ما نمی‌خواهند هیچ‌گاه روی پای خود بایستیم؛ آنان در پی تضعیف، پراکندگی و تجزیه سرزمین‌های ما هستند تا همواره زیر سلطه و وابسته به آنان باقی بمانیم. هدف آن‌ها این است که جنوب سوریه را از حضور ارتش و سلاح خالی نگه دارند تا رژیم یهود که رزمندگان غزه با کمترین امکانات، لرزه بر اندامش انداختند، در امنیت بماند.

6- باید یقین داشته باشیم که تسلیم شدن در برابر دیکته‌های بین‌المللی و اعتماد به وعده‌های آمریکا، سرانجامی جز زیان و خسران آشکار در دنیا و آخرت ندارد. واگذاشتن سرنوشت و قاطعیت به مدیریت متزلزل، شتاب در عادی‌سازی روابط با یهود و تلاش برای جلب رضایت شرق و غرب، به بهای اصول انقلاب و ارزش‌های ملت، به‌جای تکیه بر الله سبحانه و تعالی و پایبندی به شریعت، همه و همه نشانه‌های سقوطی خطرناک است. دور شدن از شریعت الهی، ما را از همراهی و نصرت‌الله سبحانه و تعالی محروم می‌کند؛ همان نصرتی که ما را پیروز به دمشق رساند. تکرار این اشتباهات، هیبت انقلاب را می‌شکند و دستاوردهای عظیمی را که مجاهدان با خون خود به‌دست آوردند، بر باد می‌دهد. اینجاست که هشدار الله سبحانه و تعالی را باید به یاد آورد: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَعَلَمُوا أَنَّكُمْ كَافِرُونَ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» «و به کسانی که ستم کردند متمایل نشوید که آتش شما را خواهد گرفت و شما را جز الله سبحانه و تعالی یاری نیست و یاری نخواهید شد».

7- عقیده ما به روشنی ماهیت رابطه‌مان را با رژیم یهود که سرزمین‌مان را غصب کرده و مقدسات ما را آلوده ساخته و بزرگ‌ترین جنایات را در حق مردم ما در غزه و سراسر فلسطین مرتکب می‌شود، مشخص کرده است: رابطه‌ای سراسر جنگ و ستیز، نبردی سرنوشت‌ساز که گریز از آن نیست و تأخیر در وقوع آن فقط به قیمت جان‌ها و توانایی‌های بیشتر تمام می‌شود؛ بنابراین، باید برای آن آماده شویم و با تمام توان مہیای ورود به این کارزار باشیم. بر این اساس، عادی‌سازی روابط با یهود یا هرگونه معاهده‌ای که به رسمیت‌شناختن حاکمیت آنان حتی بر وجبی از سرزمین مسلمانان باشد، شرعاً مطلقاً جایز نیست.

سرانجام: نخستین گام در مسیر تحقق پیروزی، اعلام التزام واقعی و بی‌تزلزل به اجرای شریعت الهی است؛ بی‌هیچ تردید و تعللی، فقط برای جلب رضای الله سبحانه و تعالی و نصرت او، نه رضای آمریکا یا هیچ‌کس دیگر. جز این راه، هیچ عزت و امنیت و سیادتى برای ما پایدار نخواهد بود. باید بر ملت انقلابی و فرزندان صادق آن تکیه کنیم که آنان تنها پشتوانه واقعی پس از الله سبحانه و تعالی در هنگام سختی‌ها و بحران‌ها هستند. همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی وعده داده است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» «و هر کس بر الله سبحانه و تعالی توکل کند، الله سبحانه و تعالی او را کافی است. همانا الله سبحانه و تعالی فرمان خود را به انجام می‌رساند. الله سبحانه و تعالی برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».